

آرمان شهر شاعران چپ‌گرای مشهد (۱۳۲۰-۱۳۲۵)

کبری نودهی*

علی‌اکبر کجباغ**، مرتضی نورائی***، هادی وکیلی****

چکیده

شکل‌گیری احزاب سیاسی یکی از نتایج ورود نیروهای متفکین و سقوط رضاشاه بود. حزب توده فعال‌ترین حزب سال‌های دوره اشغال به شمار می‌رفت که پیوستگی‌های بسیاری به اردوگاه چپ داشت. این علقه‌ها در میان اعضای اصلی کمیته ایالتی حزب توده در خراسان که بسیاری از آنان در شمار مردان فرهنگ و ادب بودند نیز وجود داشت. علاوه بر رسوب تفکرات حزبی که نقش محوری داشت، حضور موثر ارتش سرخ در مشهد و نیز عضویت بسیاری از آنان در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی سبب شد نگاه به تحولات شوروی و ستایش آن به اشعار این شاعران راه یابد. انقلاب شوروی و تغییرات پس از آن، رهبران شوروی و ارتش سرخ مضامین عمده این اشعار بودند که در قالب‌های مختلف شعری بیان شده‌اند. در این پژوهش تلاش خواهد شد به بررسی چرایی و چگونگی این نگاه در اشعار شاعران چپ‌گرا بر اساس روش تاریخی تحلیلی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: حزب توده، شعر، شوروی، مشهد.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، nodehi14@gmail.com

** استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، aliakbarkajbaf@yahoo.co.uk

*** استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، mortezanouraei@yahoo.com

**** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، vakili355@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۵

۱. مقدمه

شعر و ادب به عنوان یکی از نمادهای مهم زندگی ایرانیان، همواره در برهه‌های حساس تاریخ، اثرپذیری و اثرگذاری خود را نشان داده‌است. این پدیده که شعر سیاسی نیز نامیده می‌شود، اوج خود را در دوره معاصر تجربه کرد. سقوط رضاشاه و اشغال ایران فصل مهمی از اشعار سیاسی را آغاز کرد که تا اوج‌گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، به طور عمده تحت استیلای چپ‌گرایان و شاعران وابسته به حزب توده بود. حزب توده همچنین با مطبوعات خود از حامیان اصلی تحول شعر فارسی یعنی شعر نو بودند (علوی، ۱۳۸۶: ۳۳۲). از مشهورترین شاعران سیاسی که در هم‌آوردی با حکومت، ظلم، استبداد و اختناق، راهی اردوگاه چپ شدند و روند دنیای شعر را به سوی شعر اجتماعی و سیاسی تغییر دادند می‌توان به شاملو، اخوان ثالث، کسرابی و ابتهاج اشاره کرد (درستی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). هرچند باید در نظر داشت بسیاری از این افراد اگرچه مدتی - آن هم با توجه به شرایط خاص آن دوره - با حزب همکاری داشته‌اند اما بعدها از حزب تبری جستند. از جمله آن‌ها می‌توان به سیاوش کسرابی اشاره کرد، پیوند او به حزب توده نه پیوندی تئوریک، بلکه علقه‌های اجتماعی و عاطفی بود و به‌ویژه پس از عزیمت به شوروی و مشاهده تفاوت‌های دنیای واقعی آن با تبلیغات مطرح شده به شدت سرخورده شد (عظیمی و طیه، ۱۳۹۱: ۲/۹۹۳). محمود فرخ نیز پس از خاتمه ماجرای آذربایجان مایل نبود کسی از شعر ستایش‌آمیز او از شوروی یاد کند (مجیدفیاض، ۱۳۸۱: ۱۹۷). به‌هرروی ارزش‌های ارائه شده توسط حزب توده از سوی آنان مورد پذیرش واقع می‌شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها احترام و ارزش فوق‌العاده برای حکومت شوروی بود. شوروی به عنوان پایگاه اصلی اردوگاه چپ و مارکسیسم، مدعی حمایت از انقلاب‌های کارگری جهان بود. این انگاره توسط اعضای حزب و از جمله شعرای موردنظر در این پژوهش مورد پذیرش واقع شد.

چپ‌گرایی خراسان با نماد حزب توده در دهه بیست و سی، به اذعان رهبران کمیته ایالتی خراسان، بیشتر روشنفکران و تحصیل‌کرده‌ها را جذب کرد که شاعران نیز در همین گروه قرار داشتند. این شاعران نیز مانند فضای عمومی جامعه به سوی این حزب و تمایلات چپ‌روانه گرایش یافتند و اشعار زیادی در این رابطه از خود به جا گذاشتند. پرداختن به شوروی و تحولات و رهبران آن رویدادی قابل اعتنا است که باید در ظرف زمان خود مورد بررسی قرار گیرد. درباره تاثیر حزب توده و شوروی بر حوزه ادبیات و

به‌ویژه شعر در مشهد طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ کار جدی انجام نشده است. تنها در کتاب «احزاب و سازمان‌های سیاسی در خراسان ۱۳۲۰-۱۳۳۲» نوشته حسین الهی به مدیحه‌سرایی این شاعران برای شوروی اشاره شده، اما زمینه‌های این اثرگذاری و بررسی محتواهای موجود در آن مورد توجه نبوده است.

چپ دارای مفاهیم وسیعی در علوم سیاسی است، اما آنچه در این پژوهش مدنظر قرار گرفته اصطلاح عام دهه‌های ۵۰ تا ۹۰ میلادی است که به‌طور خاص مکتب مارکسیسم را شامل می‌شد و در ایران نیز تا پیش از تقسیم جناح‌های سیاسی پس از انقلاب، چپ به همان معنا مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۲. زمینه‌های اثرگذار بر شاعران چپ‌گرای مشهد

حزب به معنای یک ساختار هرمی که در بدنه جامعه مستقر باشد، در حیات سیاسی اجتماعی ایران یک پدیده نو محسوب می‌شد. به همین دلیل بدون مقدمه و گذشت زمان و تغییر ساختارهای سنتی، نمی‌توانست میان آنان نفوذ کند. بنابراین حزب توده برای شروع حرکت نیاز به افرادی داشت که وجود و مزیت حزب و کار حزبی را باور کنند. این افراد نمی‌توانستند پرورش‌یافتگان نظام سنتی باشند. بنابراین باید روی اقشار آشنا با تحولات جدید و آورده‌های دنیای مدرن کار می‌کردند. روشنفکران، تربیت‌یافتگان نظام آموزشی جدید و تا حد زیادی اروپایی، بهترین گزینه بودند (مصاحبه باروچی: ۱۳۸۹: ۶۱؛ مصاحبه مشکینیان: ۱۰۸). نخبگان فرهنگی فکری در این میان جایگاه خاصی داشتند. شعرا نیز در این گروه بودند. جذب آن‌ها دستیابی به اهداف تعریف شده حزب را سرعت می‌بخشید. حزب توده و گردانندگان اصلی آن و به‌خصوص مطبوعات توده، مامنی برای شاعران چپ‌اندیش شدند. این نشریات از حامیان اصلی شعر نو و سبک جدید داستان‌پردازی به حساب می‌آمدند (شمس لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۳۸/۱). شعر نو علی‌رغم ایراداتی که به آن وارد می‌شد، مهم‌ترین محمل پرداختن به حوادث سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شد (عبادیان، ۱۳۸۷: ۵۹). سیطره چپ و چپ‌گرایی بر ادبیات ایران تا نیمه‌های دهه ۵۰ و پیش از اوج‌گیری نهضت اسلامی ادامه داشت.

آرمان‌های حزب توده برای بسیاری جذاب بود و بسیاری از نخبگان فکری و فرهنگی با آن درگیر شدند. عده‌ای جذب حزب شدند و عده‌ای نیز غیرمستقیم از ادبیات و مطالبات مطرح شده توسط حزب متأثر شدند (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۰۴-۱۰۷ و ۱۲۴). مطالبه‌گری حزب

توده در جامعه جایگاه خود را یافته و به کنش‌گری فعال مبدل شده بود که روسای بسیاری از دوائر دولتی را با هجمه‌ای بی‌سابقه مواجه کرد. سردمداران این عرصه، فعالان فکری فرهنگی بودند که با اندک تسامحی می‌توان در دایره روشنفکران جایشان داد. شعارهایی مانند «کار، نان، بهداشت و فرهنگ برای همه»، خواست همه طبقات مردم و به‌ویژه نخبگان بود که برای ارتقا زندگی مردم و آبادانی کشور رسالت والایی برای خود قائل بودند. بسیاری از اعضای حزب توده و از جمله مشهد برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده که آرمان‌های اجتماعی مطلوب هر مکتبی بود، حاضر به انواع فداکاری‌ها بودند. حزب در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵، هنوز جنبه‌هایی از خیانت و فرار افراد و رده‌های سازمانی خود را (مانند حضور مخفی و غیر قانونی در سازمان‌های نظامی، حمایت از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی و یا حمایت از ماجرای آذربایجان که زمزمه‌های تجزیه‌طلبی از آن به گوش می‌رسید. امری که این افراد صادق را در برابر انتقادات مخالفان برای دفاع از حزب در تنگنا قرار می‌داد) بروز نداده بود و بی‌وقفه در راه ارتقا شرایط کارگری تلاش می‌کرد، بنابراین این افراد با قوت برای حزب کار می‌کردند.

زمینه‌های اثرگذار بر سرودن اشعار چپ در مشهد تا حد زیادی همان زمینه‌های نفوذ حزب توده بود. به احتمال بسیار هیچ‌کدام از چهره‌های فرهنگی مشهد که به حزب توده پیوستند وطن‌فروش و خادم دولتی بیگانه نبودند. آنان دل‌بسته آرمان‌هایی بودند که حزب منادی آن‌ها شده بود. اغلب آنان از کلیت مارکسیسم به‌ویژه مارکسیسم فلسفی، اطلاعی نداشتند و این امر حتی در مورد بسیاری از چهره‌های کادر مرکزی تهران نیز صادق بود (اسناد تاریخی جنبش کارگری، ۱۳۵۹: ۴۴/۲؛ پویان، ۱۳۸۵: ۱۹۳). آنان جزو لایه دوم و علنی حزب بودند که اطلاعی از لایه مخفی و هدایت‌کننده حزب در خط مارکسیسم نداشتند. حزب به توصیه شوروی و نظر به شرایط ایران، موظف به تشکیل حزبی غیر کمونیست و ملی شده بود، اما مانند تمام احزاب کمونیست دو لایه علنی و مخفی داشت (طبری، ۱۳۶۶: ۴۳؛ بهروز، ۱۳۸۰: ۶۳).

رسیدن به مظاهر تمدنی که شوروی و حزب توده آن را وعده داده و تبلیغ می‌کرد، بهبود وضعیت معیشت، آزادی، عدالت و امثال این‌ها بود که مدتی این شاعران را در جبهه چپ قرار داد و آن‌ها شعر خود را در اختیار این آرمان‌ها قرار دادند. چهره‌هایی مانند محمد پروین گنابادی، شهاب فردوس، علی اصغر معینیان، عاملی‌ها و ... که به فاصله کمی از دوران اوج توده و دیدن چهره متفاوت آن‌ها از آن کنار کشیدند. و برخی اعلام عدم وابستگی خود را در روزنامه به چاپ می‌رساندند (ندای خراسان، ۱۳۲۵/۱۰/۵: ش ۲۹). در مشهد، شهری که

جز به نیروی مذهب نمی‌شد عده قابل توجهی از مردم را مجتمع ساخت، حزب توده توانست در برخی میتینگ‌ها و مراسم‌های خود، جمعیت چندهزار نفری را برای برنامه‌ای غیردینی و آن هم از سوی حزبی که شایعاتی درباره مرام اشتراکی آن بر سر زبان‌ها بود (هر چند آنان اعلام براءت شدید می‌کردند (رهبر، ۱۳۲۲، ش ۲۸۰)) گرد آورد که جای تامل فراوان داشته و البته گویای قدرتمندی اهداف و مطالباتی است که این حزب مطرح کرده و مورد پذیرش مردم نیز قرار گرفته بود. حال این چهره‌ها که خود را پیشستانان اجتماع نیز می‌دانستند به طریق اولی در این مسیر حرکت می‌کردند.

بنابراین در مشهد نیز تعدادی از اینان برای وصول به این اهداف، مبارزه حزبی زیر لوای حزب توده را برگزیدند. حزب توده توانسته بود با قدرت تبلیغات، این حس را در آنان به خوبی مرتفع سازد. یکی از ویژگی‌هایی که حزب توده در ذات خود داشت و آن را به کادرها و اعضایش نیز منتقل کرد، احترام خاصی بود که برای شوروی قائل بود. مارکسیسم و کمونیسم، از ابتدای تشکیل احزاب خود در کشورهای جهان، همواره دارای مرکزیتی هدایت کننده بود که پس از پیروزی انقلاب اکتبر این مرکزیت همواره شوروی بود. حزب توده نیز از این قائده مستثنی نبود. البته باید توجه داشت دولت شوروی به این احزاب توصیه کرده بود در ظاهر، به صورت احزاب ملی فعالیت کنند. تمام این احزاب متفق‌القول شوروی را پایگاه سوسیالیسم و حامی انقلاب‌های ستمکشان جهان می‌دانستند. حزب توده علی‌رغم پنهان کردن مارکسیست - لنینیست بودن خود، در عمل به آن وفادار بوده و طبق اصول آن فعالیت می‌کرد. کادرها نیز طبق آن آموزش می‌دیدند. شوروی بهشت مارکسیست‌های دنیا محسوب می‌شد و حزب توده به عنوان شاخه ایرانی مارکسیسم جهانی از این علقه‌ها برکنار نبود. این کشش محدود به حس شیفتگی عاطفی نبود. حزب توده به خوبی در مسیر سیاست خارجی و منافع شوروی حرکت می‌کرد. در طول سال‌های اشغال، از هرگونه انتقاد به نیروهای متفقین خودداری کرده بود، در ماجرای نفت شمال جانب شوروی را گرفته و از حمایت‌های آشکار و پنهان شوروی از فرقه دموکرات آذربایجان دفاع کرده بود. این دیدگاه‌ها به طور سلسله مراتبی، از کادر مرکزی به کمیته‌های ایالتی و بعد ولایتی، کمیسیون‌ها و حوزه‌های ساده حزبی جاری می‌شد و در ذهن افراد درونی می‌گردید. این نگاه به خوبی در محتوای روزنامه راستی ارگان کمیته ایالتی حزب در خراسان به خوبی مشهود است. علت‌العلل این دیدگاه یعنی دل‌بستگی به شوروی در اعضای توده‌ای مشهد، همین نگاه حزبی‌شان بود.

در کنار آن می‌توان از دلایل دیگری نیز صحبت کرد که از آن جمله حضور ارتش شوروی در مشهد بود. ارتش سرخ نیز به همراه قوای امریکایی و انگلیسی، در سوم شهریور ۱۳۲۰ از مرزهای شمالی وارد ایران شد. در خراسان نیز مانند بسیاری از نقاط کشور مقاومتی صورت نگرفت و نیروهای شوروی، در شهرهای خراسان و عمدتاً در مشهد مستقر شدند. حضور آنان نیز از عوامل بروز قحطی و کمبود نان بود. اما خراسان مانند تهران در شرایط فاجعه‌بار قرار نگرفت. ارتش سرخ در خراسان و مشهد، قواعد سختگیرانه‌ای برای نظامیان خود وضع کرد تا موجبات تنش میان سربازان شوروی و مردم فراهم نشود. در مدت اقامت ارتش سرخ در مشهد، به ندرت از اقدامات زورگویانه و یا خلاف اخلاق عمومی آنان خبری شنیده شد، در حالی که در دیگر نقاط ایران این اعمال از نیروهای انگلیسی و امریکایی به کرات مشاهده شده بود. نیروهای شوروی عموماً در پادگان خود مستقر بودند. نفس حضور این نظامیان (در کنار مصائب فراوانی که داشت) تا حد زیادی از التهابات احتمالی پس از سقوط رضاشاه و جابجایی پادشاهی در شرایط جنگی کاسته بود. دولت شوروی در سایه حضور ارتش خود سعی داشت از احزاب و افراد متمایل به خود حمایت کرده و در جریان نیل به قدرت سیاسی و اجتماعی از آنان حمایت کند. در خراسان حزب توده مورد توجه و حمایت خاص آنان بود. حزب در مشهد به خوبی از این شرایط بهره برد. اگرچه باید توجه داشت شوروی نیاز به حمایت مستقیم از این حزب که آشکارا هوادار آنان بود نداشت. نفس این حضور به صورت نانوشته‌ای بزرگترین پشتیبان آنان بود. دستگاه‌های دولتی و مخالفان این امر را همواره مد نظر داشتند و حزب توده نیز به آن واقف بود. حزب می‌توانست از مشاوره‌های مقامات شوروی مستقر در مشهد در مورد فعالیت‌های گوناگون خود بهره‌مند شود. از دیگر امکاناتی که حزب توده از شوروی‌ها دریافت کرد می‌توان به تیم‌های هنری آنان اشاره کرد. ای امر در جذب اقشاری از مردم، به‌ویژه نوجوانان و دانش‌آموزان موثر بود. گروه‌های تئاتر و موسیقی جمهوری‌های شوروی که برای اجرای برنامه برای نظامیان خود به مشهد می‌آمدند، به درخواست حزب توده در گردهمایی‌ها و جشن‌های آنان حضور می‌یافتند. حزب در روزنامه خود این مشارکت‌ها را منعکس می‌کرد.

از جمله اقدامات شوروی در مشهد که نقش مهمی در تلطیف نظر مردم درباره آنان داشت.^۱ می‌توان به این موارد اشاره کرد: تهیه آب آشامیدنی سالم برای مشهد و آستان‌قدس، اختصاص مبالغی برای اطعام فقرا در قحطی سال‌های اشغال، استقرار مطب مجانی با پزشکان و متخصصان متعدد، برپائی جشن‌ها و مسابقات جذاب در اماکن عمومی

شهر، برپائی کلاس‌های آموزش زبان روسی و پخش فیلم (که در راستای تبلیغ شوروی و ارتش آن قرار داشت) (الهی، ۱۳۸۲: ۹۵) هدف اکثر این اقدامات ایجاد نگاه متفاوت و قدرت نرم برای شوروی بود که امروزه مدیریت حب و بغض‌ها خوانده می‌شود. شوروی با دستگاه‌های مختلف حاضر در مشهد از جمله کنسولگری، ارتش و انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی سعی در ایجاد محبت مشهدی‌ها به شوروی بود. هنگامی که نگاه مردم به آنان عوض می‌شد زمینه بهره‌برداری‌های بعدی نیز فراهم می‌شد. نخبگان برای اثرپذیری از این اقدامات در صدر قرار داشتند.

اقدامات فرهنگی که توسط کنسولگری و نیز انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی انجام می‌شد، نقش مهمی در این زمینه داشت. کنسولگری شوروی در مشهد به مناسبت‌های گوناگون ملی در شوروی، برنامه‌های شاد و جذاب برای مقامات و عموم مردم مشهد تدارک می‌دید. برنامه‌هایی که مورد استقبال فراوان واقع می‌شد. در شرایطی که درد و رنج زندگی برای بسیاری از مردم طاقت‌فرسا بود، فرصت‌های اینچنینی می‌توانست تسلی خاطر آنان شود و محبت پنهان ایجاد کند. کنسولگری از این نکته برای ترویج فرهنگ جمهوری‌های شوروی استفاده می‌کرد. موسیقی، تئاتر، رقص‌های محلی و ... همه و همه نمودهای فرهنگی آن‌ها بود که به آرامی می‌توانست زمینه رسوخ دیگر اندیشه‌های آنان و از جمله مکتب مارکسیسم را فراهم آورد. کنسولگری شوروی همچنین دارای شعبه مطبوعات بود که به انتشار یک روزنامه اقدام می‌کرد. «اخبار تازه روز» عنوان این روزنامه بود که به‌طور خاص، به انعکاس رخدادهای شوروی و به‌ویژه طی آن سال‌ها، به تشریح عملیات‌های نظامی ارتش سرخ در جنگ جهانی دوم و اغلب با نثری حماسی و اثرگذار می‌پرداخت. مقاله‌های متعددی نیز در زمینه اوضاع شوروی و تحولات آن در ابعاد گوناگون که بر محور معجزه‌آسا بودن انقلاب کمونیستی تاکید داشت در آن درج می‌شد. اغلب هیئت تحریریه اخبار تازه روز، اعضای حزب توده بودند. اقدامات ارتش سرخ در مشهد و شرح اقدامات عام‌المنفعه آن‌ها نیز از محورهای دیگر این روزنامه بود. اخبار تازه روز نقش مهمی در ترویج افکار مورد حمایت حکومت شوروی در مشهد داشت.

انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی نیز در همین راستا ایفای نقش می‌کرد. این انجمن شعبه‌های بسیاری در ایران داشت و اغلب مقامات دولتی و چهره‌های مشهور فرهنگ و ادب در مصادر آن قرار داشتند. شعبه مشهد انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی، به خانه وکس معروف بود (تفرشیان، ۱۳۶۷: ۴۳) و همراهی‌های تنگاتنگی با کمیته ایالتی حزب توده خراسان داشت. شهاب فردوس از اعضای مهم کمیته ایالتی، منشی آن بود

و در میان سخنرانان آنان نیز چهره‌های توده‌ای از جمله دکتر شهیدی بودند. در بیشتر برنامه‌های انجمن، اعضا و هواداران حزب پای ثابت آن بودند. پرداختن به مفاخر دو کشور در حوزه‌های گوناگون و نیز تحولات شوروی، عمده محورهای این سخنرانی‌ها بود. ستایش از شوروی در اکثر برنامه‌های آن دیده می‌شد (راستی، ۱۳۲۴/۱۱/۳:ش ۲۹۸ و ۱۳۲۵/۸/۱۶:ش ۳۸۵؛ اخبار تازه روز، ۱۳۲۳/۷/۶:ش ۱۰۳).

توقف موقت خصومت‌های دولتی و نیز غربی‌ها و هواداران آن‌ها نیز به این روند یاری رساند. به دلیل شرایط جنگی و قرار گرفتن آنان در جبهه واحد مبارزه با دول محور، این دشمنی‌ها کنار گذاشته شده بود. شوروی نیز هنوز برنامه‌های حمایتی گسترده خود از انقلاب‌های کمونیستی را در دستور کار قرار نداده بود. اگرچه توقف این سیاست زمان زیادی طول نکشید. با خاتمه جنگ و نیز حل ماجرای آذربایجان، هجمه همه‌جانبه دولت‌های غرب‌گرای ایران علیه شوروی آغاز شد که با حمایت غرب نیز همراه بود. حاصل حضور شاعران مشهدی در چنین فضایی (حضور در حزب توده و دریافت تلقی‌هایش از شوروی، حضور در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی با اهداف مدنظرش، مواجه شدن با اقدامات عام‌المنفعه آنان و نبود تبلیغات مخالف)، سرودن اشعاری حماسی در وصف ارتش شوروی و آرمان‌شهر خواندن آن کشور بود.

آغاز تأثیرپذیری شاعران خراسانی از تفکرات چپ مربوط به دوره حیات حزب توده نیست. سال‌ها پیش از آن ملک‌الشعرا بهار در سنین جوانی به آن گرایش داشت. هرچند به زودی از آن برید. نقش عمده در این باره را حیدرخان عمواغلی و اندیشه‌های او داشت. عمواغلی از شخصیت‌های سئوال‌برانگیز دوره مشروطه و مرتبط با حرکت‌های سوسیالیستی در کشور بود. او که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ قمری به عنوان کارشناس برق در مشهد حضور داشت، از جانب روسیه ماموریت داشت حزبی تشکیل دهد. تشکیلات مشهد فرقه دموکرات، نتیجه تلاش‌های او بود. بهار نیز به دعوت رییس اداره نمک در جلسه فراخوان او شرکت کرده و مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که اندیشه‌های عمواغلی برای بهار نیز جالب بود دعوت او را برای شرکت در حزب پذیرفت و حتی روزنامه نو بهار را به هزینه خود به عنوان ارگان آن منتشر کرد (ملک‌الشعرا بهار، ۱۳۴۴: ۸).

۳. معرفی شعرای توده‌ای مشهد

به هر روی گردانندگان کمیته ایالتی خراسان، اکثرا اهل ادب بودند. پروین گنابادی، باقر عاملی، ناصر عاملی، شهاب فردوس، علی اصغر معینان، مهدی پارسی، ربانی. مفاهیم مورد نظر حزب توده و برنامه‌های آن را در روزنامه خود منعکس می‌کردند که در بیشتر مراسم‌های حزب، توسط خودشان قرائت می‌شد (الهی، ۱۳۸۲: ۶۲). محمد پروین گنابادی مشهورترین چهره آنان، متولد گناباد و بزرگ‌شده مشهد بود. او سابقه فعالیت‌های سیاسی در دوران رضاشاه را داشت و به همین دلیل طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ چندبار به زندان افتاد. او مدتی نیز دروس حوزوی را خواند. پروین گنابادی دبیر و سپس رییس دانشسرای دختران مشهد شد و با ورود به حزب توده، شخص اول آن گردید. امتیاز روزنامه راستی نیز به او تعلق داشت. در سال ۱۳۲۲ و دوره چهاردهم مجلس، از سوی مردم سبزوار به نمایندگی انتخاب شد. در سال ۱۳۲۳، مسئول کمیته تبلیغات کادر مرکزی حزب توده شد، اما پس از وقایع آذربایجان پیوند خود را با حزب گسست و در نشست آینده حزب به دلیل کم‌کاری اخراج شد (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۲۰۳ و ۳۰۴).

شهاب فردوس نیز از دیگر چهره‌های آنان بود. او اصالتا اهل فردوس بود که به مشهد عزیمت کرد. شهاب فردوس مشاغل مختلفی را پشت سر گذاشت: معلمی نظام، قضاوت، معلمی در فرهنگ خراسان و آذربایجان، ریاست فرهنگ خراسان، عضویت در لغت‌نامه دهخدا، استاد ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات مشهد و سرانجام ریاست دفتر آستان قدس رضوی. سید هدایت‌الله شهاب فردوس در سال ۱۳۴۷ از دنیا رفت (گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۳۳۶). محمدتقی شریعتی (پدر دکتر علی شریعتی)، ترقی شهاب فردوس را پس از عضویت او در حزب توده و حمایت آنان می‌داند (پژوم، ۱۳۷۰: ۹۰). شهاب فردوس گویا دارای عقاید تند حزب توده نبوده و در ماجرای آذربایجان به عملکرد حزب انتقاد داشته‌است. او در «پایان حیرت» زندگینامه خود، هیچ اشاره‌ای به عضویت خود در حزب توده نکرده است که می‌تواند نشانگر پشیمانی از آن دوران باشد.

دیگر شاعر مجذوب حزب توده ابوالقاسم حبیب‌اللهی متخلص به نوید، از خاندان‌های مشهور مشهد بود که دیگر اعضای خانواده او از جمله برادر کوچکترش، نوح خراسانی نیز شاعر بودند. جلسات متعددی از انجمن شعر و ادب خراسان در منزل او برگزار می‌شد (گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۵۹۰). علی اصغر معینان دیگر شاعر توانمند توده‌ای، رییس اوقاف خراسان بود که مسئولیت کمیسیون مالی حزب را نیز به عهده داشت. او با ریاست

شهاب‌فردوس به فرهنگ خراسان، با حفظ سمت، معاونت اداره کل فرهنگ شد (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۶۲). معینان یکی از موارد جالب نفوذ حزب در میان مقامات استان خراسان بود. از سرانجام او اطلاعی در دست نیست. علینقی ربانی وکیل دادگستری بود که علی‌رغم معتقدات ضعیف مذهبی، در کار خود درستکار بود و به دلیل عضویت در حزب توده، مدتی به زندان شهربانی افتاد (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳: ۲۵۰). ناصر عاملی برادر کوچک باقر عاملی (مدیر روزنامه راستی و دوست احسان طبری و صادق هدایت)، پسر دکتر حسن عاملی بود. او در زمان تحصیل دبیرستان به حزب پیوست و بیشتر اشعار چپ او متعلق به همان دوران می‌باشد. پس از کودتای ۲۸ مرداد مدتی به زندان افتاد، اما تا مدت‌ها بر سر عقاید خویش ایستاد. عاملی صاحب یک کتابفروشی در مشهد بود (گلشن‌آزادی، ۱۳۷۳، ۵۶۱). غلامرضا سلماسی دیگر شاعر حزبی بود که به جز ریاست او بر کمیسیون تفتیش از زندگی او اطلاعی باقی نمانده است (راستی، ۱۳۲۳/۹/۱۱: ش ۱۵۰). شرح دکلمه شورانگیز اشعارش نیز در مراسم‌ها حزب توده در راستی ثبت شده است (راستی، ۱۳۲۳/۲/۱۸: ش ۱۰۳). سلماسی پس از حمله به دفاتر حزب توده مشهد در زمستان ۱۳۲۵، به جنوب کشور رفت و گویا در سازمان‌های کارگری خوزستان مشغول شد (قدیمی توکلی، ۱۳۷۹: ۲۰۳). دکتر حسن شهیدی از اعضای حزب توده بود که علاوه بر برقراری مطب مجانی حزب، در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی نیز عضویت داشت و از سخنرانان مباحث پزشکی آن به شمار می‌آمد. از محمد مصدق نیز به جز شغلش که مهندس بوده و نامه‌اش مبنی بر برائت از حزب توده (ندای خراسان: ۱۳۲۵/۱۰/۵: ش ۲۹) اطلاعی نداریم. همچنین درباره مهدی پارسی نیز اطلاعی نداریم.

۴. جایگاه شوروی و تحولات آن

اشعار شاعران چپ‌گرای مشهد را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱- اشعار مرتبط با آرمان‌های حزب توده که منحصر به مرام کمونیستی نبوده و برای اغلب ادیان و مکتب‌ها محترم است، ۲- اشعار مرتبط با شوروی و تحولات آن و ۳- اشعار واکنشی نسبت به رخدادهای کشور با دیدگاه حزب توده. در این پژوهش تمرکز بر اشعار مربوط به شوروی خواهد بود. این اشعار دارای چند مضمون عمده است:

- جایگاه ارتش سرخ

- جایگاه لنین و استالین، رهبران شوروی

- پیشرفت‌های جماهیر شوروی

- رسالت جهانی شوروی

حزب توده علی‌رغم آنکه در اساس نامه خود به عنوان یک حزب ایرانی تاکید کرده بود، اما وابستگی و شیفتگی بسیاری به شوروی داشت. این شیفتگی در میان وابستگان فکری و حزبی و نیز مطبوعات مرکزی و ایالتی آنان، به طور بارزی نمود یافت. اغلب اشعاری که در وصف شوروی و تحولات آن از شعرای عضو حزب توده مشهد به جا مانده، در روزنامه اخبار تازه روز به چاپ رسیده که مدیریت آن با شعبه مطبوعات کنسولگری شوروی در مشهد بود. سرودن بسیاری از این اشعار اگرچه با نوع نگاه آنان به شوروی همخوانی دارد، اما احتمالاً سفارشی بوده است. بسیاری از همکاران و هیئت تحریریه این روزنامه، اعضای حزب توده بودند، بنابراین باید طبق سیاست‌گذاری‌های این روزنامه به تولید محتوا می‌پرداختند. متن بسیاری از این اشعار با خبرها و مقالات این روزنامه همخوانی دارد و محتوای جدیدی در آن مشاهده نمی‌شود. شاعران این آثار، در واقع این متون را به نظم درآورده‌اند. اما در روزنامه راستی، حضور شوروی در اشعار چاپ شده ناچیز است و غالب آن‌ها ادبیات مرسوم توده‌ای را پوشش داده است.

۱.۴ ترسیم آرمان‌شهر شوروی

تبلیغات بسیاری انجام می‌شد تا شوروی، بهشت روی زمین و آرمان‌شهر بشری معرفی شود. روابط ایران و شوروی در سال‌های مورد نظر این پژوهش و به‌ویژه به دلیل استقرار شرایط جنگی در غرب شوروی و اشغال ایران، چندان قابل اعتنا نبود. آنچه از اخبار این جمهوری‌ها به ایرانیان می‌رسید عمدتاً از زبان خود شوروی‌ها بود. پیش از آن نیز در دوره رضاشاه، روابط دو کشور در سطح و اندازه‌ای نبود که ایرانیان تصور درستی در مورد آن کسب کنند. رفت‌وآمد بازرگانان خراسانی نیز ره‌آورد خبری خاصی برای خراسانیان دربر نداشت، چون این مبادلات عمدتاً به جمهوری ترکمنستان محدود می‌شد که خود از سطح پایین‌ترین بخش‌های جماهیر شوروی بود. بدین جهت آنچه برای آنان ترسیم می‌شد، تنها مجرای اطلاعاتی بود. طبق این تبلیغات انجام یافته، جمهوری‌های شوروی پس از استقرار قوانین مالکیت و کار جمعی پیشرفت بسیاری کرده، ثروت به طور عادلانه میان همه تقسیم شده و مظاهر تمدنی در سطح بالایی قرار گرفته بود. این نگاه مثبت، به‌ویژه میان دلدادگان به مکتب کمونیسم جایگاهی بالا داشت.

گفته شد که یکی از بازوهای شوروی برای ترویج افکار خود در ایران، «انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی» بود که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵، به‌خصوص تحت حمایت ارتش سرخ فعالیت می‌کرد. رویکرد این انجمن، بهره‌گیری از نخبگان ایرانی برای احراز پست‌های آن بود. از جمله ریاست آن در مشهد با علی منصور استاندار خراسان بود. شوروی قصد داشت قدم در راهی بگذارد که سال‌ها پیش در دوره قاجار، غربی‌ها آغاز کرده و از ثمره آن یعنی دولتمردان غرب‌گرا تا مدت‌ها می‌بردند. اما روسیه و شوروی در این رقابت عقب مانده بود و فرصت حضور نظامی در ایران و پایان موقت مخاصمه آن‌ها با غرب، بهترین زمان برای پایه‌ریزی نفوذ فرهنگی بود. یکی از روش‌هایی که آنان در دستورکار قرار دادند (روندی که به زودی با شروع دوره جنگ سرد و محکم‌تر شدن پیوند ایران با بلوک غرب و مقابله با کمونیسم پایان یافت)، دعوت از نخبگان ایرانی برای بازدید از پیشرفت‌های شوروی و جمهوری‌های آن پس از استقرار نظام شورایی (برگرفته از آرمان‌های کمونیسم) بود. از جمله این افراد، محمود فرخ، منشی انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بود. فرخ شرح سفر ازبکستان را به صورت شعری در روزنامه راستی به چاپ رساند. این شعر پیش از شکرآب شدن روابط فرخ با دربار (در پی ارسال پیام تبریک به استالین) و در نتیجه قطع شدن مقرری او از آستان‌قدس بود. فرخ بعدها در مقام ریاست بر کارخانه نخریسی مشهد تقابل زیادی با حزب توده نشان داد (مشکینیان، مصاحبه: ۱۳۸۷). فرخ در این شعر با برشمردن پیشرفت‌هایی در حوزه علم، صنعت و هنر، آن‌ها را نتیجه پیوستن به شوروی و برقراری نظام شورایی می‌داند. همچنان که در مقدمه نیز اشاره شد محمود فرخ به صف مخالفان حزب توده پیوست و مایل نبود کسی این شعر را به یاد آورد. این شعر فرخ در قالب سیطره نفوذ شوروی در خراسان و مشهد و پست او معنا می‌یابد و به خوبی تاثیر آرمان‌شهر نشان دادن شوروی در این سفر به خوبی نشان داده شده‌است. که به چند بیت آن اشاره می‌شود:

چون رسیدم صنعت و علم و هنر بود آنچه دیدم	دست حیرت بر در ادراک علت بست بندم
این همه رونق تو را ای شهر گفتم از کی آمد	گفت از آن روزی که از فیض عدالت بهره‌مندم
کودکستان‌ها فراوان دیدم و بیمارستان‌ها	کام جان زان دیدنی‌ها گشت شیرین‌تر ز قندم
هم به کاخ دولت و هم کوخ دهقان رخت بردم	هم به مسجد هم به میخانه گذار خود فکندم
هم به سالون‌ها و سن‌ها هم به دانشگاه و موزه	رهمنونها وانمودند آنچه بود از چند و چونم

بد ز بس بر رودها بند از پی برق و زراعت
از نمایشگاه و فابریک فراوان آنچه دیدم
رودخانه در نظر همچون نی آمد بند بندم
چون نشاید وصف کامل به که دیگر دم بندم
(راستی: ۱۳۲۳/۱۰/۱۴؛ ش ۱۶۲؛ فرخ، ۱۳۸۹: ۱۴۰ و ۱۴۱)

مهدی پارسی نیز در شعری خطاب به افراد ساکن شوروی می گوید:

فکر بکر مردانش پشتکار افرازش
کشوری است بس آباد ملتی است بس ازاد
کرده قرن‌ها تامین اعتبار روسیه
ساحتی است نوین یاد مرغزار روسیه
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۴: ش ۹۶)

سرزمین نیکبختی جای تو
نیک دنیایی است این دنیای تو
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۴: ش ۹۹)

ربانی:

پدید آمد چو شد مردم هماهنگ
مکانیزه شده اکنون فلاحت
پزشک و نان دارد کار و فرهنگ
همه در شوروی هستند راحت
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۴: ش ۱۷)

صاحب فرهنگ عالی گشته‌اند
کارشان با درس و علم است و کتاب
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۴: ش ۳۵)

ناصر عاملی:

آنکه بنا کرد کشوری که در آنجا
ساخت محیطی بری ز جهل و خرافات
یکتن را نیست رنج فقر و غم نان
مملکتی ساخت رشک روضه رضوان
صبحت مظلوم و ظالم آنجا نبود
نیست آنجا اثر ز رنج ستمکش
راه ترقی به روی جمله بود باز
همچو بر اطفال باب های دبستان
مردان در کار علم و صنعت مشغول
در عمل بحث و درس مدرسه طفلان

بهر رفاه بشر به کوشش و کارند کارگر و دکتر و مهندس و دهقان
مردم آن سرزمین ز چنگ غم آزاد همدم ایشان نشاط و وجد فراوان

۲.۴ رسالت شوروی

در نگاه مارکس و انگلس، انقلابات اجتماعی امری خودبه‌خودی و محصول شرایط بودند، اما در تفسیر لنین می‌شد بدون گذار از مرحله‌ای با رهنمون‌ها و کمک‌ها، ملتی را وارد مرحله نهایی کرد. همچنانکه نقش حزب در آموزه‌های مارکس نقشی مکمل در جنبش کارگری بود، در نگاه لنین، حزب محور جنبش کارگری شد. یعنی حزب که شامل اقلیتی فعال و پیشاهنگ پرولتاریا بود مسئول تحول جامعه به شمار می‌رفت (کولائی، ۱۳۷۶: ۲۵ و ۲۶). رهبران حزب کمونیست شوروی مدعی بودند با کمک به دیگر ملت‌ها می‌توان حرکت جهانی برای رسیدن به سوسیالیسم را تسریع کرد. امری که رهبری آن با حکومت شوروی است. آن‌ها بدین جهت، برای تغییر دنیا برای خود رسالتی جهانی قائل بودند. شخص لنین اعتقاد داشت با انقلاب اکتبر، فصل نوینی در تاریخ بشریت گشوده و مضمون اصلی تاریخ جهان را دگرگون کرده و از آن پس همه جوامع باید از راه اکتبر بروند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۱۵). این نگرش در میان چپ‌گرایان ایرانی و از جمله شاعران مشهدی نیز به شدت حمایت می‌شد. طبق این نگاه آرمان‌شهری ترسیم شد که رنجبران در آن در آسودگی هستند، دانایی حکم‌فرماست و استعمار و استثمار وجود ندارد. این رسالت را خداوند به عهده آنان قرار داده است.

پارسی:

آنکه فاتح در جهانت آفرید بهر تجدید جهانت برگزید

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۴: ش ۹۹)

شهاب فردوس نیز در هنگام ستایش لنین به این رسالت اشاره دارد:

خواست یزدان تا جهان آرایشی یابد نوین آفرید از مکمن قدرت ولادیمیر لنین

(اخبار تازه روز: ۱۳۲۳: ش ۳۵)

باری این قوم جهانی نو آرد بوجود که نه دید و نه شنیده کس از آن بهتر

مدد ایزد همواره بود یاورشان ای خوش آن قوم کشان یزدان باشد یاور
جهد کن تا بدمد کوبشان چون خورشید کانچه می بینی اکنون بود آثار سحر

او در شعری دیگر نیز به رسالت جهانی شوروی اشاره می‌کند که در صورت استقرار
روش شوروی، دنیا تغییرات اساسی خواهد کرد. نشر دانش، آسودگی رنجبر، عقوبت
ظالمان، ریاست مردم دانا، نابودی استعمار و امثال آن:

زردمویان شمالی روش نو آرند زان روش زیر و زبر گردد گیتی یکسر
الف و لام شود فتح به دست ایشان سازد آنان را بر خلق مسلط داور
دانش و بینش در روی زمین نشر کنند عزت و راحت یابد به جهان دانشور
رنجبر گردد آسوده و خوش‌بخت و عزیز خوار و بدبخت شود مفتخور تن پرور
محتشم مردم آزاده و آزادی‌خواه محتشم مردم فرزانه و نیکو مخبر
هدف خلق شود دانش و آزادی و کار مایه فخر و سرافرازی نه زور و نه زر
مردم دانا فرمانده گیتی گردند نکند نادان بر توده حکومت دیگر
بخت برگردد از بی‌هنران خودخواه حشمت و جاه شود ویژه ارباب هنر
اهرم خوار و سرافکنده و بیچاره شود خلق عالم را یزدان به سعادت رهبر
محو و نابود شود در همه جا استعمار مستقر گردد آزادی در هر کشور

(راستی، ۱۳۲۴/۲/۱۴:ش ۲۰۴)

۳.۴ جایگاه ارتش شوروی

حزب توده و مطبوعات آن، اشتیاق بسیاری به پیگیری تحولات شوروی و جانبداری از آن
در خلال جنگ دوم جهانی نشان دادند. شاعران مشهدی عضو حزب توده نیز از این جریان
برکنار نبودند. پیوستن شوروی به صف متفقین و متوقف شدن موقت خصومت دنیای
غرب علیه مارکسیسم روسی، در تشدید این وضعیت موثر بود. عمده‌ترین تحول شوروی
در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ درگیری در جنگ بود. بنابراین نوک توجه این شاعران به
شوروی نیز، تحولات جنگ و توجه به ارتش چند ملیتی آن کشور بود. در نگاه این شعرا،
ارتش شوروی حافظ بهشت موعود کارگران می‌باشد که با توقف حملات هیتلر، نه فقط
شوروی، بلکه جهان را نجات داده‌است.

معینان:

ای سپاه سرخ ای پشت و پناه کارگر پشت خصمانت دو تا مانند چرخ چنبیری
(راستی، ۱۳۲۲/۹/۶: ش ۶۹)

عاملی:

چون پاسبان صلح گیتی این سپاه است قدرت بماند جاودان این پاسبان را
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۲۳)

بسیاری از اشعار آنان، وصف ارتش شوروی و دلآوری‌های آنان به طور کلی است، اما برخی اشعار، به شرح نبردهای آنان نیز پرداخته است. یکی از مهم‌ترین رویدادهای ارتش سرخ، نبرد استالین‌گرا بود که تاثیر بسیاری بر روند جنگ داشت. علی‌اصغر معینان در شعری به شرح این نبرد پرداخته که حتی مشخصات آن مانند وسعت میدان نبرد و فنون به کار رفته در آن نیز آمده است:

چون نگین اندر حصار افتاد استالین‌گرا دشمن اندر گرد او چون حلقه انگشتی
جنگیان سرخ اندر پشت آن روئین حصار همچو شیران در کنام خویش در چالشگری
بعد ماهی چند همچون ازدهائی خشمگین حلقه زد بر گرد دشمن با فن گازانبیری
از هوا باران بمب و از زمین شلیک توپ آتش افشان گشت بر خصم از ثریا تا ثری
دشت جنگ از حد مسکو تا کنار بالتیک غرق شد در خون دشمن با همه پهناوری
(راستی، ۱۳۲۲/۹/۶: ش ۶۹)

شیفتگی به شوروی تا حدی است که از نگاه یکی از آنان، مبارزات ارتش سرخ از نبردهای شاهنامه نیز بالاتر است. ناصر عاملی در شعری با عنوان ارتش سرخ در گفتگوی عاشقی با ساقی غمگین خود می‌آورد:

زان پس که از دل دور شد غم با تو گویم افسانه‌های نغز عهد باستان را
با داستان رستم و سهراب و کاووس یا قصه اسفندیار و هفت خان را
یا داستان نغز و معروف سیاوش یا وصف رزم رستم و تورانیان را
یا قصه تهمورث و جمشید و ضحاک شرح کاوه با درفش کاویان را
گر نیست جالب این همه از ارتش سرخ شرحی دهم شیرین نمایم داستان را
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۲۳)

کبری نودهی و دیگران ۹۱

ارتش سرخ در نگاه این شاعران، نجات دهنده جهان از خطر نازیسم و فاشیسم است:
ناصر عاملی:

زان ارتشی کان منهدم بنمود فاشیزم
وز بندگی برهاند سرتاسر جهان را
ربانی:

محو نازیسم شد از روی زمین
شادمان کرد بشر ارتش سرخ
سطح گیتی ز هجوم فاشیست
کرد بی خوف و خطر ارتش سرخ
حبیب‌اللهی:

غارتگران نازی و فاشیست را رسید
با همت تو روز مکافات و داوری
پاینده باد ارتش پرافتخار سرخ
تابنده هست تا ز فلک ماه و مشتری

(اخبار تازه روز: ۱۳۲۴: ش ۴۷)

معینان:

داد میلیون‌ها نفر قربانی از برنا و پیر
تا بشر را ایمن از فاشیست غارتگر کند
(اخبار تازه روز: ۱۳۲۳: ش ۱۷)

راز قدرت این ارتش را ساختار شوروی می‌داند:
سلماسی:

ارتش سرخ دلاور ارتش نصرتنمون
پرچم سرخش جهان رنجبر را رهنمون
زین سپس این ارتش آزادگان و رنجبر
برکند از بیخ و بن اندیشه مکر و فسون
دیو استبداد را میراند از روی زمین
ارتشی کاو را وجود آورده افراد کمون
(راستی، ۱۳۲۳/۱۲/۸: ش ۱۸۱)

م. پارسی:

این دلاوران دانی از چه کامیاب شدند
زانکه کار و آزادی شد شعار روسیه
(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۱۷)

برای چنین ارتشی آرزوی پایدگی دارند: حتی نه آرزو بلکه آن را امری حتمی می‌دانند:
پارسی:

۹۲ آرمان شهر شاعران چپ‌گرای مشهد (۱۳۲۰-۱۳۲۵)

این همه برتری که میبینی باشد از سازمان ارتش سرخ
تا ابد پایدار خواهد ماند در جهان مردمان ارتش سرخ

ربانی:

تا ظفر هست پدیدار به دهر بر ظفر هست پدر ارتش سرخ

(اخبار تازه روز، ش ۲۲)

عاملی:

چون پاسبان صلح گیتی این سپاه است قدرت بماند جاودان این پاسبان را

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳، ش ۲۳)

اشاره به جنگ‌افزارهای شوروی و نقش آن در پیروزی شوروی و شکست دشمنان
هیتلری نیز از قلم نیفتاده است.

معینان:

بمب‌های آتش ریز و آتش بیز او هنگام جنگ ...

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳، ش ۱۷)

هیچ میدانی که رگبار مسلسل‌های سرخ در میان لشکر دشمن چه شور و شر کند
توپ‌های اژدر اندازش چو می افتد به کار قلعه پولاد را چون تل خاکستر کند
توپ خارااشکنش در صف خصم آتش افشان و شرربار شده

(راستی: ۱۳۲۳، ش ۱۲۲)

۴.۴ جایگاه زنان در شوروی و ارتش سرخ

یکی دیگر از ویژگی‌های ارتش سرخ که مد نظر این شاعران قرار گرفته، حضور زنان و عملکرد درخشان آنان در جبهه‌های نبرد بوده است. در نگاه حزب توده و در تبلیغاتی که در این رابطه در مطبوعات آنان به جامانده، تاکید بسیار آنان بر حضور فعال زنان در همه عرصه‌های اجتماع به‌عنوان نیمی از بدنه جامعه جایگاهی خاص دارد. حزب نیز در این رابطه فعالانه عمل می‌کرد و تشکیلات زنان حزب را به‌عنوان یکی از اقمارهای خود

راهاندازی کرد. حزب توده توانسته بود بسیاری از کارگران زن را در تشکیلات کارگری وارد کند و خواستار حضور آنان در عرصه‌های بیشتر بود و خود را از مبارزان نابودی موانع این حضور معرفی می‌کرد. آشنا کردن زنان به حقوق اجتماعی خود و باسواد کردن آن‌ها، از اقداماتی بود که آن‌ها انجام داده‌اند. کمیته ایالتی حزب توده در خراسان فعالانه این اقدامات را به صورت رایگان و با پشتکار زیاد انجام می‌داد. آنان برای نشان دادن الگوی ورود زنان به اجتماع، از زنان شوروی یاد می‌کردند که علاوه بر حضور در عرصه‌های مدیریتی کالخوزهای بزرگ، مراکز آموزشی، کارخانه‌ها و امثال آن، در صحنه‌های نبرد نیز فعالانه حضور داشتند. شاعر جوان مشه‌دی ناصر عاملی، در همین رابطه شعری ترجمه شده از سورکف روسی را به نظم کشیده است:

شاید به حسن طلعت و زیبایی عذار	باشند دختران فراوان به روزگار
لکن میان آن همه نتوان که یافتن	چون دختران کشور ما اهل سعی و کار
آنگه که کوس رزم فرا می رسد به گوش	آید به پیش جنگ عظیمی و مرگبار
از جان کنند بدرقه مرگ و شکنجه را	با عزم آهنین ز پی کسب افتخار
شادان بزی تو کشور شورا که یک چنین	دوشیزگان به دامن خود آوری به بار

(راستی، ۱۳۲۲/۴/۱: ش ۲۲)

ربانی نیز در وصف حضور زنان در ارتش، شعری دارد. گفته شد که بسیاری از اشعار این شاعران، ترجمه اخبار و مقاله‌های موجود در روزنامه اخبار تازه روز بود. ماخذ بسیاری از این مطالب نیز روزنامه پرآودا، ارگان حزب کمونیست شوروی بود. در یکی از شماره‌های آن، عکسی از پاولیچنکو یکی از قهرمانان زن ارتش شوروی را نشان داده شده که پس از فداکاری بسیار در میدین نبرد، به بازدید از یک کالخوز در استان ادسا رفته و زنان دیگر گرد او را گرفته‌اند. ربانی این خبر را به شعر درآورده است:

پاولیچنکو را ببین که ظریف	باشد او قهرمان و پاک و شریف
هست در گارد شوروی سروان	او ز نازی گرفته خوش تاوان
پا به استان ادسا چو نهاد	بین یک عده کالخوز ایستاد
گردگردش شده همه به سرور	چون پرزادگان حومه حور
موسم حمله گاه جنگ و نبرد	نیست فرقی میانه زن و مرد

(راستی، ۱۳۲۳: ش ۱۲۷)

در شعر م. پارسی نیز حضور زنان ذکر شده است:

قدرت و همت و شهامت و زور باردار از آسمان ارتش سرخ
همه مشغول کار پیر و جوان مردها و زنان ارتش سرخ

(راستی، ۱۳۲۲/۴/۱: ش ۲۲)

۵.۴ جایگاه رهبران شوروی

رهبران شوروی یعنی لنین و استالین اصلی ترین نمادهای آن کشور به حساب می‌آمدند که در میان بیشتر مارکسیست‌های جهان دارای احترام بسیاری بودند. در ایران و به‌خصوص در پی تبلیغات حزب توده در مناطقی که نفوذ آنان و زنه‌ای قابل‌اعتنا به حساب می‌آمد، این تصورات وجود داشت. اگرچه خاطره جداسازی بخش‌های وسیعی از کشور همچنان ایرانیان را آزار می‌داد، اما اقدام لنین در لغو تمام امتیازات استعماری روسیه تزاری، چهره آنان را بهبود بخشید. او حتی بازگشت به خاک ایران را نیز به انتخاب ساکنان مناطق جدا شده واگذار کرد. پس از این رویداد واکنش‌های بسیاری در میان ایرانیان و به‌ویژه نخبگان بوجود آمد. از جمله بهار گفته است: روزی در مسجد شاه به اشاره انجمن مخفی حزب دموکرات برای آن‌ها حرف زدم یکی از سخنان من این بود که دو دشمن از دو سو ریسمانی به گلوی کسی انداختند تا او را خفه کنند و آن بدبخت در میانه تقلا می‌کرد. آنگاه یکی از دو خصم سر ریسمان را رها کرد و گفت ای بیچاره من با تو برادرم و مرد بدبخت نجات یافت. آن را که ریسمان گلوی ما را رها کرده لنین است (بهار، ۱۳۶۳: ۱۵). این صحبت بهار توسط ناصر عاملی به شعر آمده است:

حاصل سعی لنین و دولت او داشت	سود فراوان برای ملت ایران
آنچه که مدیون روس دولت ما بود	بر سر آن‌ها کشید خامه بطلان
شاهد گفتار خویش آورم ایدر	گفت بهار آن بزرگ مرد سخندان
کشور ما بود همچو مردی آن عهد	کوشده بین دو خصم واله و حیران
و آندو برای فنای آن یک بستند	از دو طرف ریسمان ورا بگریبان
هر دو سر ریسمان کشند به قدرت	تابستانند زآن میان از او جان
ناگه دستی رها نمود سربند	یافت نجات آن اسیر زار پریشان

دست لنین بود آنکه کشو مار ار کرد رها ز میان پنجه خصمان

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳، ش ۱۰)

آرمان شهر شوروی، ساخته لنین بود. در سال روز تولد و مرگ او، شاعران توده‌ای مشهد به تحسین شخصیت و اقدامات او پرداخته‌اند. این اشعار به دو دسته تقسیم می‌شود. ۱- تغییرات لنین در شوروی و ۲- اثرات انقلاب شوروی و پیامدها و رسالت‌های آن برای جهان. اشعار دسته اول به توصیف روسیه پیش از انقلاب اکتبر و پس از آن می‌پردازند و مصائب دوران روسیه تزاری در محوریت قرار دارند. در هیچ کدام از این اشعار به انقلاب اشاره‌ای نشده و تنها به تحولات پس از قدرت‌یابی لنین به نظم درآمده‌است و از شخصیت‌هایی مثل تروتسکی و کرنسکی که قرائتی متفاوت از قرائت لنین و استالین داشتند صحبتی به میان نیامده‌است. این امر به خصوص استیلای استبداد مارکسیستی این دو حتی در عرصه اطلاع‌رسانی در سایر کشورها را می‌نمایاند. حزب توده نیز از آنجا که وابستگی تمام به قدرت و دولت شوروی داشت، تبلیغ این شاخه انقلاب شوروی بود. هرچند بودند ایرانیانی که در تصفیه‌های استالینی جان خود را از دست دادند.

شهاب فردوس:

دوزخی پر رنج و محنت بود مرز و بوم روس	مردم از بیداد ملاکین همه اندوهگین
نه مسلمان بود راحت نه مسیحی نه یهود	جمله اقوام این کشور پریشان و حزین
کارگر آشفته و با زحمت بی حد و حصر	دیهقان و پیشه ور با رنج بی پایان قرین
هر کجا آزاده ای سالدات او را در عقب	هر کجا فرزانه ای قزاق او را بود کمین
در چنبن حالی لنین برخاست بهر انتقام	در چنبن عصری برون آورد دست از آستین

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳، ش ۳۵)

ربانی:

تزاری را ز تختش سرنگون کرد	ز بن کاخ ستم را واژگون کرد
به دربارش هویدا بس هوس بود	همان از بهر محو خلق بس بود
در آن کشور نبود از بهر دهقان	نه دارو نه خورش نه جامه نه نان
نبود از بهر زحمتکش پدیدار	نه بهداری و نه فرهنگ و نه کار

لنین از نو بنائی کرد بنیاد
به داس و چکش آن مرد خردمند
چو کند از بن بنای جور و بیداد
درخت جور را از ریشه برکند

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۳۵)

همین شاعر در جایی دیگر:

ملت روسیه را در زجر داشت
خون ملت اندر آن کشور مدام
رنجبر می خورد دائم خون دل
فرد زحمتکش هماره ضرب و زجر
نیکلای پست کمتر از کلاب
بود اندر جام وی جای شراب
بود دهقانان آنجا در عذاب
سهم دهقان بود دشنام و عذاب...
کرد اندر محو غداران شتاب
رهبیر زحمتکشان دانا لنین

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۱۷)

دایره تغییرات ایجاد شده توسط لنین را منحصر به روسیه نمی‌دانند، بلکه او را شخصیتی برای بنیاد جهانی نوین برمی‌شمردند.

شهاب فردوسی:

خواست یزدان تا جهان آرایشی یابد نوین
نقشه تغییر گیتی در سرشتش مرتسم
آفرید از مکن قدرت ولادیمیر لنین
طرح تبدیل جهان اندر نهاد او عجین

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۳۵)

مهدی پارسی:

لنین ز گیتی و گیتی شد از لنین آباد
لنین نبوغ جهان است مادر گیتی
لنین بساط خرافات و جهل ر برچید
لنین اساس صحیحی به دهر برپا کرد
مدام نام و نشانش به گیتی افزون باد
نزاده است و نزیاید اگر چنین اولاد
لنین نمود بشر را زقید غم آزاد
ستاد تا دم آخر مقابل بیداد

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۸)

عقیلی:

عالم آزادی از چه بار غمین است
زانکه مصادف به درگذشت لنین است

گیتی آزاد قلب خویش ز کف داد قلب زکف رفته را رویه چنین است
مادر آزادی جهان را تنها او پسر اولین و بازپسین است

عاملی:

آری سعی لنین و همت او گشت بانی آسایش و سعادت ایشان
آنچه سعادت برای بشر او کرد در دو سه بیتی بیان نمودن نتوان

استالین نیز دارای جایگاه ویژه‌ای میان این شاعران داشت و به‌خصوص بر نقش او در
تداوم راه لنین تاکید شده‌است.

عاملی:

گرچه لنین مرد سعی و کار ستالین ایده وی را بود نکوی نگهبان
آنکه چنین کارهای زنده نموده زنده بود نام او به صفحه دوران

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳:ش ۱۰)

معینان:

مارشال گرد لشکرکش ستالین بزرگ آنکه عزمش خصم را بیچاره و مضطر کند
در پی اجرای فرمان سپهدار رشید حمله‌ای باید که کار جنگ را یکسر کند

ربانی:

قائد نامی آن کشور لنین رفت و استالین شدش نائب مناب
آن بهین شاگرد دانای لنین برگرفت از جهل و نادانی نقاب

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳:ش ۱۷)

شهاب فردوس:

جمع گشته گرد او فرزندگان پروانه‌وار خاصه همکار بزرگ نامدارش استالین

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳:ش ۳۵)

ناصر عاملی حتی برای او آرزوی نشاط دائمی می‌کند:

بهر استالین رهنمای ارتش سرخ خواهم نشاط و شوق و وجد جاودان را

(اخبار تازه روز، ۱۳۲۳: ش ۲۳)

۵. نتیجه‌گیری

اشعار سیاسی چپ‌گرای مشهد با ورود نیروهای متفکین و سقوط رضاشاه نقطه عطف تاریخ ایران و از جمله خراسان و مشهد ارتباط مستقیم داشت. مهم‌ترین زمینه آن شکل‌گیری احزاب سیاسی و به‌خصوص حزب توده، به عنوان فعال‌ترین آن‌ها بود که به زودی خود را پیش‌تاز مبارزات سیاسی اجتماعی و منادی انحصاری اصلاحات و آرمان‌هایی مانند رفع ظلم از طبقات زحمتکش، تامین آزادی و عدالت اجتماعی و امثال آن کرد. در شهر مذهبی مشهد، جاذبه چنین تبلیغاتی آن قدر زیاد بود که علی‌رغم بهت مخالفان، حزب توانست جمعیت چندین هزار نفری را در برنامه‌هایی مانند روز جهانی کارگر به میدان بیاورد. یکی از گروه‌های هدف حزب که بازوهای تبلیغی قدرتمندی برای آن شدند، شاعران بودند. افرادی مانند معینان، حبیب‌اللهی، پارسی، عاملی و ربانی که نقش مهمی در ترویج آرمان‌های حزب داشته و شعارهایی مانند حمایت از کارگر، دعوت به اتحاد زحمتکشان و جامعه آرمانی سوسیالیستی را با اشعار محکم خود برای مردم تشریح می‌کردند. یکی دیگر از ویژگی‌های حزب پیوستگی‌های عاطفی و تشکلاتی به اردوگاه چپ به رهبری شوروی بود. این نگرش در میان اغلب رده‌های تشکلاتی و اعضای آن به چشم می‌خورد. از جمله در مشهد نیز اکثر اعضای کمیته ایالتی دارای چنین تمایلاتی بودند که در آثار قلمی آنان به‌جا مانده‌است. شاعران توده‌ای نیز در این راستا حرکت می‌کردند و به‌ویژه در سال‌های مورد نظر اشعار زیادی در وصف شوروی، انقلاب اکتبر، رهبران آن (لنین و استالین)، تحولات مثبت پس از انقلاب و استقرار نظام سوویتی و به طور خاص ارتش شوروی (به خاطر در جریان بودن جنگ) سروده‌اند که اغلب آن‌ها در روزنامه متعلق به کنسولگری شوروی به چاپ رسیده‌است. حضور ارتش سرخ و رفتارهای تقریباً در چارچوب حساسیت‌های مردم مشهد، اقدامات متعدد رفاهی و عام‌المنفعه آن‌ها، وجود انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی و نیز فروکش کردن خصومت‌های دولتی‌ها و دول غربی علیه شوروی به خاطر جنگ جهانی، از دیگر زمینه‌های جایگاه والای شوروی نزد این شاعران بود. اشعاری که به شوروی پرداخته محصول چنین شرایطی است که نمونه آن در سایر نقاط کشور به ندرت دیده می‌شود. طی سال‌های ۱۳۲۰ تا اسفند ۱۳۲۴ شوروی و بازوهای فرهنگی‌اش بمبارانی از تبلیغات درباره این کشور را در شهر مشهد به میدان

آوردند که این شاعران که از فعالین حزب توده و هم انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی بودند اولین تاثیرپذیرفتگان آن بودند. اغلب این برنامه‌های تبلیغی و محتوای ارائه شده در خلال آن‌ها بود که به صورت شعر در می‌آمد. میزان و تاکید این اشعار با تبلیغات ارائه شده همخوانی دارد و به خوبی محصول زمان بودن خود را آشکار می‌کند. اولویت اول آن‌ها جنگ جهانی و رشادت‌های ارتش سرخ، رسالت جهانی آن‌ها در ایجاد نظم نوین جهانی، آرمان‌شهر تحقق یافته در سایه نظام شورایی و کمونیستی و جایگاه ویژه رهبران آن است.

پی‌نوشت

۱. به دلیل به توپ بستن حرم مطهر امام‌رضاع) نظر مردم مشهد درباره آنان خصوصاً آمیز بود.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن شانه‌چی، تهران، نشر مرکز.
- آذرپاد، حسن و فضل‌الله حشمتی (۱۳۷۲). فرشنامه ایران، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الهی، حسین (۱۳۸۲). احزاب و سازمان‌های سیاسی در خراسان ۳۲-۱۳۲۰، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- آستان‌قدس رضوی، بخش تاریخ شفاهی، مصاحبه‌های پیاده شده آقایان باروچی و مشکینیان، اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران (۱۳۵۹)، ج ۲ و ۳، تهران، علم.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰). شورشیان آرمانخواه (ناکامی چپ در ایران)، ترجمه مهدی پرتوی، تهران، ققنوس.
- پویان، حسن (۱۳۸۵). یاد ایام جوانی (گرداب توهم یک عضو)، تهران، گام نو.
- تفرشیان، ابوالحسن (۱۳۶۷). قیام افسران خراسان، تهران، اطلس.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷). حزب توده، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- درستی، احمد (۱۳۸۱). شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۷۰). تاریخ تحلیلی شعر نو، تهران، مرکز.
- طبری، احسان (۱۳۶۶). کزراهه، تهران، امیرکبیر.
- عبادیان، محمود (۱۳۸۷). درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، تهران، مروارید.
- عظیمی، میلاد و عاطفه طیه (۱۳۹۱). پیر پریشان اندیش، ج ۲، تهران، سخن.
- علوی، بزرگ (۱۳۸۶). تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران، ترجمه امیرحسین شالچی، تهران، نگاه.

